

نقش الگوی شیعی در پیروزی انقلاب ایران از دیدگاه خاورشناسان

دکتر محمدرضا بارانی*

محمد دهقانی**

چکیده

پیروزی انقلاب مردم ایران، چالش‌های فراوانی برای نظریه‌پردازان غربی ایجاد کرد و در پی آن، موجی از نظریه‌پردازان غربی، توجه خود را به انقلاب ایران معطوف ساختند. از آنجا که ایدئولوژیک بودن انقلاب اسلامی، یکی از مؤلفه‌های اصلی آن به شمار می‌رود و با توجه به پیروی اکثریت مردم ایران از مذهب تشیع، برخی از نظریه‌پردازان، انقلاب اسلامی را با چنین دیدگاهی مطالعه کرده‌اند. خاورشناسان، به نقش و اهمیت اندیشه شیعه و کارایی آن در وقایع سیاسی و اجتماعی در ایران پی بردند و اعتراف کردند که چه پتانسیلی در مذهب تشیع و اعتقادات شیعیان نهفته است. شیعه با معارف عمیقی چون عاشورا، اعتقاد به مهدویت، مرجعیت و رهبری دینی، شهادت‌طلبی و همبستگی، توانسته است بزرگ‌ترین انقلاب قرن را رقم بزند و نقش دین را در جامعه به اثبات برساند.

واژگان کلیدی

انقلاب، مهدویت، دین، شیعه، عاشورا، مرجعیت و خاورشناسان.

با پیروزی انقلاب مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷، جهان شاهد تحولی عظیم در تاریخ ایران بلکه جهان اسلام و حتی جهان بشریت بود که اندیشه‌وران زیادی را به حیرت واداشت. شگفتی جهانیان به دلیل غلبه تمدن شیعه بر تمدن غرب بود که به عنوان یک حادثه سیاسی-اجتماعی، بر معادلات جهانی تأثیر گذاشت. در مورد انقلاب اسلامی، متفکران غربی با چالشی رو به رو هستند که از یک سو، نمی‌توانند نامی جز انقلاب را بر این حرکت مردم ایران بگذارند و از سوی دیگر، پدیده‌ای به نام مذهب، نقش اصلی این حرکت و انقلاب را ایفا کرد که در نگاه آن‌ها، مذهب نماد سکون و عقب‌ماندگی است.

بسیاری از متفکران غربی، پس از پیروزی انقلاب، به نقش مذهب شیعه به عنوان یک عنصر مؤثر پی بردند و انقلاب ایران را با چنین دیدگاهی مطالعه کرده‌اند که آیا از میان متغیرهای انقلاب مانند تئورهای توطئه، مشکلات اقتصادی، مدرنیته کردن ایران و...، بحران‌های دینی و مذهبی اساسی‌ترین عامل این پدیده اجتماعی است یا این‌که عوامل دیگر نیز مؤثر بوده‌اند؟

سنخ‌شناسی آرای خاورشناسان در مورد ابعاد گوناگون انقلاب اسلامی، با مقیاس‌هایی که از خطوط فکری، اهداف و روش‌های کاری آنان در دست داریم، بسیار سهل و ساده است. این آرا از سه مقوله سکوت و کتمان، اظهارات معاندانه و مجعول و اعترافات ضمنی محتاطانه تجاوز نمی‌کند. البته حساب معدودی از خاورشناسان آگاه که به صداقت علمی خود پای‌بند هستند، از این خیل عظیم جداست که خود آنان نیز از این کج‌اندیشی‌ها در فریادند، همان‌گونه که پروفیسور آن ماری شیمل^۱ دانشمند و خاورشناس برجسته آلمانی که بیش‌ترین هم‌دلی و صداقت را با اسلام نشان داده است، فریاد می‌زند که: «آنچه مرا خیلی ناراحت کرده و آزار می‌دهد، این است که شخص نبی گرامی اسلام (ص) در غرب بسیار ناشناخته است. عده کمی در اروپا هستند که می‌دانند ایشان حلقه عشق میلیون‌ها مسلمان است» (اطلاعات، ۱۳۵۷: ۱۷).

در دنیای غرب، ماکس وبر^۲ نخستین متفکری بود که به نقش دین و مذهب در انقلاب‌ها توجه کرد. او در دیدگاه خود، به نقش نظام عقیدتی و تأثیری که بر کنش افراد

1. Annemarie.schimmel.

2. max weber.

دارد تأکید می‌کند. از نظر وی، بهره‌کشی طبقه حاکم از طبقه محروم و محکوم در جامعه، در بستر اندیشه و تفکر در جامعه معنا می‌یابد. در برداشت وبر، دین و نظام‌های عقیدتی بر نحوه ادراک نیز تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، در جوامع غرب آن‌جا که مذهب پروتستان مسلط است و ارزش‌های طبقه کارگر بر اساس آموزه‌های مذهبی شکل می‌گیرد، احتمال بروز انقلاب جامعه‌گرایانه کم است. به نظر وبر، نقش اندیشه‌ها در کنش و بی‌کنشی جوامع متفاوت است (وبر، ۱۳۷۴: ۳۹۲).

انقلاب‌ها با داشتن وجوه مشترک، تفاوت‌های زیادی نیز با یک‌دیگر دارند؛ از این رو، در پیدایش هر انقلاب، عوامل و متغیرهای مختلفی وجود دارد که دارای نقش و جایگاه متفاوتی هستند. به اعتقاد بیش‌تر متفکران غربی، مذهب نیز می‌تواند تحت شرایط خاصی در برخی از انقلاب‌ها نقش داشته باشد که این نقش مذهب می‌تواند در مراحل گوناگون متفاوت باشد. گروهی از نویسندگان که انقلاب اسلامی و ویژگی‌های آن را تحلیل و تبیین نموده‌اند، به نقش شریعت در این پدیده، توجه ویژه‌ای داشته و در تفسیرهای خود به آن پرداخته‌اند.

پیروزی انقلاب را می‌توان گوشه‌ای از قدرت اسلام و تشیع دانست و بر آن مباحث کرد که نظر اغلب تحلیل‌گران انقلاب اسلامی ایران را به خود جلب کرده و ناظران خارجی را به حیرت انداخته است. آرنولد توین‌بی^۱ تاریخ‌نویس معروف انگلیسی، تنها کسی است که در دنیای غرب، تجدید حیات و عظمت تمدن اسلام و برقراری حکومت اسلامی را با عنوان پان‌اسلامیسم از دیدگاه خود پیش‌بینی کرده بود (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۱). تعبیر آرنولد توین‌بی، همان تعبیری است که دیلیپ هیرو،^۲ نویسنده هندی بیان داشته است که: «بسیاری از مفسران، ایران را نمونه‌ای از احیاء اسلامی که جهان اسلام را در طول دهه‌های گذشته در بر گرفته بیان می‌کنند.» (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۲). او درباره موفقیت و پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید: «یک شگفتی (حتی) برای انقلابیون بود، همان‌طوری که برای شاه و حامیان خارجی‌اش بود.» (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۱۷). و «ظهور امام خمینی - رحمت الله علیه - به عنوان رهبر بلامنازع حرکت انقلابی و شگفتی عمده دیگری بود.» (محمدی، ۱۳۷۸: ۲۱۸). دکتر منصور معدل، استاد دانشگاه انگلستان می‌گوید:

1. Arnold Toynbee.

2. Dilip Hiro.

ویژگی اصلی انقلاب ایدئولوژی است. تصور انقلاب ایران بدون توجه به نقش اسلام شیعی در ایجاد و تداوم جنبش انقلابی ۵۷ و تأثیر آن در شکل‌گیری پیامدهای انقلابی بسیار مشکل است (معدل، ۱۳۷۵: ۵۲).

میشل جانسون^۱ درباره انقلاب ایران اظهار داشت، می‌توان به طور حتم گفت: انقلاب ایران نخستین پیروزی مسلمین بر غرب، از قرن شانزدهم به این طرف محسوب می‌شود و نکته این جاست که اسلام، عامل هدایت‌کننده این انقلاب بوده و هیچ یک از اسم‌های غربی در آن نقشی نداشتند. در واقع این انقلاب، عظمت خود را از اسلام و مکتب تشیع دارد. این همان امری است که حتی ناظران غربی هم نمی‌توانند آن را انکار کنند؛ از جمله پروفیسور ویلیام بیمان معترف است که امام «با عقاید مذهبی که غرب آن‌ها را کهنه و قرون وسطایی می‌دانست جهان را تکان داد.» (معدل، ۱۳۷۵: ۲۸).

موضع اصلی خاورشناسان در برابر اسلام و بالتبع انقلاب اسلامی و بالاخص ابعاد درخشان حضرت امام خمینی(ره) روشن است، اما اثرگذاری ایشان بر روند احیای تفکر دینی چنان عمیق، گسترده، ریشه‌دار و واضح است که گریزی جز اعتراف ولو نیم‌بند و ضمنی و یا صریح ندارند. به نظر می‌رسد، گذشت زمان گواه صادقی برای آشکار شدن حقایق انقلاب اسلامی باشد و جریان اعترافات را قوی‌تر و گسترده‌تر کند. هدف این نوشتار، نقد و بررسی آرای این اندیشه‌وران است.

تعریف مفاهیم

انقلاب، دگرگونی بنیادی در همه زمینه‌های اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، حقوقی و به ویژه سیاسی است، نسبت به آنچه پیش از انقلاب استوار بوده و این دگرگونی‌ها همیشه با سرنگونی نظام سیاسی حاکم پیش می‌آید و اغلب با کارهای خشونت‌آمیز و خون‌ریزی‌ها همراه است. (عبدالحمید، ۱۳۷۰: ۳۶۴).

شیعه: در لغت به معنای یاران و پیروان است و در اصطلاح به کسانی که جانشینی پیامبر اکرم(ص) را حق اختصاصی خاندان رسالت دانسته و در اخذ معارف اسلام، پیرو مکتب اهل بیت(امامان شیعه) هستند، اطلاق شده است» (طباطبایی، ۱۳۵۴: ۲۵-۲۶).

خاورشناس:^۲ «خاورشناسی به رشته‌ای از معارف بشری اطلاق می‌شود که بحث از زبان

1. Mishelle Johnson.

2. Orientalist

و علم و ادب ملل خاور می‌کند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۳، ۲۰۸۲۱). مستشرق یا خاورشناس، دانشمندی است که برای شناختن مشرق‌زمین و زبان و ادبیات و علوم و هنرها و سایر مسائل مربوط به آن بحث و تحقیق می‌کند (مصاحب، ۱۳۸۷: ۲۷۶).

عوامل مؤثر اندیشه شیعه در پیروزی انقلاب

این که چرا مردم ایران بعد از یک قرن تلاش برای مدرن شدن در مقابل مدرنیته قیام کردند- در حالی که به صورت طبیعی، می‌بایست در غرب که مهد مدرنیته است، چنین اتفاقی رخ می‌داد؛ چنانچه قیام‌های کمونیستی در قبال معایب مدرنیته، در غرب به وجود آمد- را باید در مذهب تشیع جست‌جو کرد؛ زیرا مذهب شیعه ویژگی‌هایی دارد که فرهنگ غرب فاقد آن است. اندیشه شیعی و آموزه‌های شیعی، باعث شد بسیاری از اندیشه‌وران سکولار برای تحلیل انقلاب، درباره اسلام و تشیع و نقش آن در پیروزی انقلاب تحقیق کنند. که در این نوشتار به برخی از این دیدگاه‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. اعتقاد به مهدویت

اعتقاد به مهدویت، از مهم‌ترین آموزه‌های دین مبین اسلام است که جایگاه والایی در فرهنگ ناب شیعه دارد. شیعه، حیات و بالندگی خود را مدیون آن است و بر اساس آن، زندگی و رشد می‌کند. فرهنگ مهدویت در شکل‌گیری مبانی فکری و ایدئولوژیک انقلاب ایران نقش مؤثر و انکارناپذیری داشت. ویلیام وات^۱ می‌گوید:

اعتقاد به امامت و مسأله انتظار، از جمله ویژگی‌های تشیع‌اند که در اندیشه سیاسی شیعه، نقش مهمی ایفا می‌کنند (بلخاری، ۱۳۷۸: ۱۳۱).

ماربین، شرق‌شناس معروف آلمانی، مهدویت را از مواردی می‌داند که موجب امیدواری شیعه به آینده شده است و می‌گوید:

از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهم که همیشه موجب امیدواری شیعه به آینده شده است، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور اوست (بلخاری، ۱۳۷۸: ۱۳۲).

یکی دیگر از متفکران غربی، با توجه به آموزه مهدویت در شیعه می‌گوید:

ایران با استفاده از شمشیر قدرت‌مند سیاست اسلامی، مشروعیت نظام منطقه‌ای را

1. William Watt.

به چالش کشید که رهبری آن جهان خارج را از خلال منشور موعودگرایی اسلامی می‌نگرد (جرجیس، ۱۳۸۲: ۲۹۲).

اسکاچپول نیز با توجه به مذهبی بودن انقلاب مردم ایران، به نقش اسلام شیعی در پیروزی انقلاب اسلامی اشاره می‌کند و تمایلات شیعی را در انقلاب ایران از جمله عوامل قاطع و انکارناپذیر برمی‌شمارد و می‌نویسد:

اقتدار مشروع در اجتماع شیعه از دیرباز، بین رهبران سیاسی و مذهبی تقسیم شده است؛ به شکلی که هیچ کدام از این رهبران نمی‌توانند به طور صریحی، مدعی نمایندگی کامل اراده امام غایب، یعنی یک رهبر عالی مقامی که از قرن نهم وارد دوره غیبت شده، باشند (اسکاچپول، ۱۳۷۹: ۱۹۹). وی نقش امام خمینی، به عنوان یک کانون مرکزی برای رهبری انقلاب ایران را پژوهی از انتظار مداوم مردم ایران برای ظهور امام دوازدهم می‌داند (اسکاچپول، ۱۳۷۹: ۲۰۶).

حامد الگار متفکر مسلمان امریکایی، اعتقاد به مهدویت را یکی از عوامل زمینه‌ساز انقلاب ایران ذکر می‌کند و می‌گوید:

ریشه انقلاب به موضوع امامت در دیدگاه شیعه و مسأله غیبت امام عصر(عج) و پی‌آمدهای سیاسی آن عقیده، ارتباط دارد که تجلی عینی اعتقاد به نیابت است (الگار، بی‌تا، ۴۵).

فوکو اعتقاد به امام زمان را موتور محرکه هیجانات اجتماعی شیعه می‌داند و اعتقاد به مهدویت را عاملی می‌شمارد که مردم را در حالت آمادگی کامل قرار می‌دهد؛ زیرا وقتی انتظار فرج بر هر مسلمان شیعه واجب شد، آن‌ها را در آمادگی کامل قرار می‌دهد؛ بنابراین آن‌ها برای هر حادثه‌ای آماده خواهند بود؛ به ویژه این که بر خود واجب می‌بینند که زمینه ظهور امام عصر(عج) را فراهم کنند. پس نه تنها در آمادگی کامل قرار دارند، بلکه اقدام به اصلاح نیز در سرلوحه امورشان قرار دارد و مردم شیعه ایران، در جهت رسیدن به این آرمان، انقلاب خود را رقم زدند. (فوکو، ۱۳۵۷: ۳۶-۳۷).

۲. شهادت طلبی

تاثیر شگرف فرهنگ پربار شهادت در گستره جهان‌بینی اسلام ناب محمدی(ص)، از جلوه‌های ممتازی برخوردار است. فرایند این تأثیر در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و اقتصادی مشاهده می‌شود. یافته‌ها و دستاوردهای تاریخی از صدر

اسلام تاکنون، این واقعیت شگرف را بیان می‌کند که فرهنگ شهادت‌طلبی، به عنوان کارآمدترین و مؤثرترین عنصر در پیش‌برد اهداف و حفظ ارزش‌ها و مقابله با دشمنان داخلی و خارجی مطرح بوده است. فرهنگ شهادت‌طلبی یعنی باور به خدا و معاد، اعتقاد راسخ بر درستی و بر حق بودن راه اسلام ناب محمدی(ص)، ایستادگی در مقابل دشمن، ایثار و فداکاری برای حفظ ارزش‌های انقلاب و اسلام ناب، خستگی‌ناپذیری و اعتقاد به پیروزی یا شهادت راه خدا.

حادثه عاشورا و روحیه شهادت‌طلبی شیعه، به فرهنگی عمومی در بین ملت تبدیل شده بود و ملت ایران سکوت در قبال استبداد و اسلام‌ستیزی رژیم را خیانت به شهدای کربلا و اسلام می‌دانستند. حضرت امام خمینی(ره) با توجه به نقشی که محرم و صفر در تکوین و تداوم انقلاب داشت، بر حفظ سنت‌های آن تاکید فراوانی داشتند و آن را ضامن حفظ و تداوم انقلاب می‌شمردند. حمید عنایت نیز در این زمینه می‌نویسد:

امام خمینی شاید بیش از هر متأله شیعه که دارای منزلتی قابل قیاس با وی باشد، خاطره کربلا را با احساس جاری از ضرورت سیاسی به کار گرفت (عنایت، ۱۳۶۱: ۲۴۵).

تداوم اسکاچپول درباره عاشورا و نقش آن در انقلاب می‌نویسد:

انقلاب اسلامی توسط مجموعه‌ای از شکل‌های فرهنگی و سازمانی ریشه‌دار و اسلامی شیعی و اسطوره بنیادین تشیع، یعنی امام حسین(ع) و شبکه مساجد و روحانیت و ... به گونه‌ای هوشیارانه ساخته شد (اسکاچپول، ۱۳۸۱: ۲۷۶).

بزرگ‌ترین اعتراضات مردمی در طول انقلاب، در تاسوعا و عاشورای حسینی شکل گرفته است. قیام ۱۵ خرداد نیز مصادف با ایام عاشورا بود. در سال ۱۳۵۷، بیش از دو میلیون نفر در تهران در راهپیمایی این روز شرکت کردند که موجب شگفتی ناظران خارجی شد (برید و بلاشر، ۱۳۵۸: ۴۱).

برگزاری مراسم یادبود برای شهدا، از دیگر نمادهای دینی است که موجب تداوم حرکت انقلاب شد. این کار از سال ۱۳۵۶ شروع گردید. یکی از نویسندگان خارجی در این زمینه می‌نویسد:

برگزاری مراسم چهلم، از بهترین نمونه‌های استفاده از سنت‌های شیعی در جهت اهداف سیاسی بود (کدی، ۱۳۶۹: ۲۴۳).

فوکو یکی از صحنه‌های نمایش قدرت مردم ایران را مراسم عزاداری سالار شهیدان امام حسین(ع) می‌داند؛ (فوکو، ۱۳۷۵: ۶۵). به گونه‌ای که یکی از مشاوران امریکایی گفته بود: «اگر ماه محرم را مقاومت کنیم، همه چیز را می‌توان نجات داد و گرنه...» (فوکو، ۱۳۷۵: ۵۳). فوکو موفق شده تا رابطه‌ای معنادار و عمیق را بین عمل جمعی، آیین مذهبی و رفتاری از نوع حقوق عمومی در تظاهرات انبوه و مستمر مردم ایران، کشف کند. از نظر او آن‌چه مردم ایران در سال ۱۳۵۷ انجام دادند، عملی سیاسی و قضایی بود که در قالب و درون آیین مذهبی به صورت دسته‌جمعی صورت پذیرفت. اعتصاب‌ها در ماه محرم و در خلال عزاداری‌ها، چنان گسترده شده که مرفه‌ترین و حتی فاسدترین قشرها را به همراهی با انقلابیون واداشت و این نبود مگر قدرت بی‌مثال آیین‌های مذهبی محرم (فوکو، ۱۳۵۷: ۵۴).

به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که نقطه آغاز انقلاب، موقعیت‌ها و روزهایی بود که در آن انقلاب، شتاب فزاینده‌ای به خود می‌گرفت. ایام و موقعیت‌های مذهبی متعلق به شیعه نظیر تاسوعا، عاشورا و اربعین امام حسین(ع) از این قبیل بود و مردم ایران با الگوپذیری از شهدای کربلا، همواره با آغوش باز به استقبال شهادت می‌رفتند و با خون خود انقلاب را به ثمر رساندند.

۳. مرجعیت و رهبری

متفکران غربی به نقش رهبری روحانیان و مراجع شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی توجه کرده‌اند. ژان پیر دیگارد^۱، مردم‌شناس فرانسوی، بر نقش مذهب و روحانیت تأکید می‌کند و تلاش‌ها و مبارزات مداوم روحانیان را یکی از عوامل پیروزی انقلاب می‌داند. او معتقد است که تشیع، بیش‌تر به عنوان یک حرکت سیاسی مطرح بوده تا یک فرقه مذهبی. به اعتقاد وی، پس از شروع غیبت کبرا امام دوازدهم، شیعه برای حل مشکل رهبری جامعه خود، تهاجمی‌ترین و پویاترین راه را برگزید (شجاعیان، ۱۳۸۲: ۱۹۹).

دیگارد بر این اعتقاد است که در آستانه انقلاب اسلامی، یک شکاف عمیق، جامعه ایران را به دو بخش تقسیم کرد: در یک طرف طبقه حاکم و وابستگان غرب‌زده بودند و در طرف دیگر، اکثریت قاطع مردم مسلمان که از فرهنگ اسلامی پیروی می‌کردند و آیت‌الله خمینی رهبری آنها را عهده‌دار شده بود. به اعتقاد دیگارد، انقلاب اسلامی نتیجه

1. Jean-Pierre Dygard.

نزاع این دو طبقه بود. وی عناصر اصلی انقلاب اسلامی ایران را رهبری روحانیت، مستضعفان و بازاریان می‌داند.
حامد الگار می‌گوید:

تمام حوادثی که در پیشبرد انقلاب ایران مؤثر بوده است، جنبه اسلامی و دینی داشته و اطاعت اکثریت قاطع مردم از دستورهای حضرت امام راحل، بی‌نهایت مهم بوده است و یکی از دلایلی که انقلابی همانند انقلاب ایران را تاکنون در هیچ کدام از کشورهای اسلامی شاهد نبوده‌ایم، وجود همین رهبری و نقش رهبری علما و روحانیون بوده است؛ یعنی در مکتب تشیع، مسأله تقلید و اطاعت از مرجع جامع‌الشرایط، البته در مسائل دینی بسیار مهم است (الگار، ۱۳۷۹: ۱۶).

میشل فوکو یکی از ویژگی‌های خاص شیعه را وجود مرجعیت شیعه می‌داند. از نظر او مراجع، رهبران طبیعی و واقعی مردم هستند و نقش آنها در پیروزی انقلاب مردم ایران چشم‌گیر است. در حالی که رهبری رسمی بر جامعه، به هزینه‌های زیادی هم‌چون نهادهای اجرایی، نیروهای نظامی، قانون‌گذاری و... نیاز داشت، مرجعیت شیعه بدون این نیازها، رهبری واقعی جامعه را بر عهده داشت و از سویی، برخی از مردم حقوق‌بگیر دولت بودند، اما در عمل کارگزار و گوش به فرمان مراجع تقلید. فوکو وقتی با یک خلبان بوئینگ مصاحبه می‌کند و با لحن آمرانه‌ای از او جواب می‌شنود که: «گران‌بهاترین ثروتی که ایران از قرن‌ها پیش تاکنون داشته، در فرانسه پیش شماست، خوب نگاه‌داریش کنید!» (فوکو، ۱۳۸۰: ۵۸). فوکو از شنیدن این جمله، بسیار تعجب می‌کند و به قدرت روحانیت شیعه پی می‌برد و می‌گوید:

نبود سلسله مراتب در میان روحانیت، استقلال روحانیون و وابستگی آنها حتی از نظر مالی به مریدان خود، اهمیت مرجعیت روحانی محض در نزد مقلدان، نقشی که روحانی باید برای حفظ حامیان خود ایفا کند که هم نقش راهنماست و هم نقش بازتاب؛ این از لحاظ‌سازمانی. از لحاظ اعتقادی هم این اصل که حقیقت با آخرین پیامبر، کارش به پایان نمی‌رسد و بعد از [حضرت] محمد(ص) دور دیگری آغاز می‌شود که دوره ناتمام امامانی است که به سخن خود، با سرمشقی که با زندگی خود می‌دهند و با شهادت خود، حامل نوری هستند که همواره یکی است؛ نوری که شریعت را از درون خود روشن می‌کند (فوکو، ۱۳۸۰: ۳۶).

او معتقد است که روحانیت را نباید با انقلابیون چپ مارکسیستی مقایسه کرد؛ زیرا این

گونه نیست که مذهب و روحانیت شیعه در برابر حکومت و نوسازی منفور آن، موجب لختی و بی‌حرکتی شود. هم‌چنین مذهب شیعه، نه ایدئولوژی است و نه زبان ساده‌ای برای بیان آرزوهایی که الفاظ دیگری پیدا نکرده‌اند، «بلکه چیزی است که در گذشته هم بارها بوده است؛ شکلی که مبارزه سیاسی - همین که لایه‌های مردمی را بسیج کند - به خود می‌گیرد و از هزاران ناخرسندی، فقر، بینوایی و سرخوردگی، یک نیرو پدید می‌آورد (فوکو، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۲).

وی با مقایسه دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، معتقد است که در رویداد نخست، روشن‌فکران پس از پیروزی، روحانیان را کنار گذاشتند و در انقلاب اسلامی عکس آن رخ داد. او نقش کاریزمای امام خمینی (ره) را بی‌بدیل و فوق‌العاده می‌داند که با دو عامل زندگی ساده و پرهیز از سازش، به همراه هوشیاری در نمایندگی و رهبری، توانست حجم گسترده‌ای از نیروهای سیاسی و اجتماعی رژیم را سرنگون کند. به باور او، امام خمینی (ره) علی‌رغم بدینی تاریخی طبقه متوسط جدید به روحانیت، به دلیل بی‌اعتنایی شاه به آن‌ها، اطمینان دادن امام به عدم برقراری حکومت استبدادی دینی و نبود موضع رسمی و منفی امام نسبت به شریعتی و به کار نگرفتن اصول مورد نظر وی، توانست آنان را به انقیاد خود درآورد و با همراهی طبقه متوسط سنتی در کنار خیل عظیم طبقه کارگر شهری و هم‌چنین پشتیبانی گسترده روستاییان، به پیروزی بزرگی دست یابد (فوکو، ۱۳۸۰: ۳۲).

۴. اتحاد و هم‌بستگی مردم

خداوند متعال، به اهل ایمان خطاب می‌کند و آنان را بدین‌گونه به اتحاد و انسجام فرامی‌خواند: *إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ*: مؤمنان برادر یک‌دیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که مشمول رحمت او شوید (حجرات/۱۰). *وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا*: و همگی به ریسمان خدا (به دین و کتاب و آورندگان وحی) چنگ زنید و پراکنده نشوید (آل عمران/۱۰۳). انقلاب ایران، گروه‌های مذهبی مختلف اعم از شیعه و سنی را زیر یک چتر واحد آورد و نشان داد که توطئه‌ها را با هم‌بستگی، می‌توان خنثی کرد. اندیشه‌وران غربی، با اشاره به اتحاد امت اسلام، می‌گویند انقلاب اسلامی در زمینه وحدت میان مذاهب اسلامی، ظرفیت عظیمی را ایجاد کرد. ظرفیت عظیم انقلاب اسلامی که بر اندیشه ناب شیعی مبتنی است، ارتباط بین امت اسلامی را به صورت ذاتی می‌طلبد. انقلاب مردم ایران

از ابتدا نام اسلام را با خود به همراه داشت و بر همین اساس، شیعه و سنی را زیر یک چتر واحد گردهم آورد؛ بنابراین، ایران اسلامی تنها به سرافرازی نام اسلام می‌اندیشید که این شکوفایی، با وحدت اسلامی حاصل شد.

پیروزی انقلاب اسلامی در واقع نمایش قدرت اراده مردم مسلمان ایران بود. نمایش قدرت مردم ایران منحصر به فرد بود و موجبات شگفتی جهانیان را رقم زد. میشل فوکو از جمله کسانی است که به نقش اراده و خواست مردم در پیروزی انقلاب توجه می‌کند. فوکو اراده مردم را مظهر قدرت مردم ایران می‌شمارد و آن چیزی را که متفکران، یک اسطوره سیاسی می‌دانستند، در ایران تحقق یافته می‌بیند. فوکو ادعا می‌کند که اراده جمعی مردم را دیده است و این اراده، یک هدف داشته و آن عبارت بوده است از خروج شاه (فوکو، ۱۳۸۰: ۵۷).

فوکو می‌گوید:

اراده جمعی، اسطوره‌ای سیاسی است که حقوق‌دانان یا فیلسوفان تلاش می‌کنند به کمک آن، نهادها و غیره را تحلیل یا توجیه کنند. اراده جمعی یک ابزار نظری است. اراده جمعی را هرگز کسی ندیده است و خود من تصور می‌کردم که اراده جمعی، مثل خدا یا روح است و هرگز کسی نمی‌تواند با آن روبه‌رو شود؛ اما ما در تهران و سراسر ایران، با اراده جمعی یک ملت برخورد کرده‌ایم و باید به آن احترام بگذاریم؛ چون چنین چیزی همیشه روی نمی‌دهد. این اراده جمعی که در نظریه‌های ما همواره اراده کلی است، در تاریخ ایران هدفی کاملاً روشن و معین را برای خود تعیین کرده و بدین‌گونه در تاریخ ظهور کرده است (فوکو، ۱۳۷۵: ۲۸).

اراده جمعی و اتحاد مردم که از اندیشه وحدت‌آفرین شیعه نشأت می‌گرفت، به حدی فراگیر بود که حتی بسیاری از نیروهای چپ کمونیست هم به مردم پیوستند و خواستار حکومت اسلامی شدند. فوکو در این باره برخی از مشاهدات خود را ذکر می‌کند و می‌گوید:

من چندین نفر دانشجو را در میان جمعیت شناختم که با معیارهای ما چپی [کمونیسم] محسوب می‌شوند؛ اما روی تابلویی که خواسته‌هایشان را نوشته بودند و به هوا بلند کرده بودند، با حروف درشت نوشته بودند: حکومت اسلامی (فوکو، ۱۳۷۵: ۲۵).

فوکو سپس در ریشه‌یابی چرایی انقلاب ایران، می‌گوید:

این انقلاب با انگیزه‌های مادی صورت نگرفته است و باید دلایل دیگری را جست‌جو کرد (فوکو، ۱۳۷۵: ۲۶).

از نظر او زبان، شکل و محتوای مذهبی انقلاب ایران، امری اتفاقی نیست، بلکه این منشعب از اندیشه شیعه است که در طول تاریخ، به ایفای نقش در برابر ستم قدرت‌های حاکم پرداخت و آن‌چنان ملت ایران را در مقابل رژیم شاهنشاهی به میدان مبارزه آورد که مردم برای کشور خود حتی حاضر شدند جان خود را هم فدا کنند.

به اعتقاد فوکو، در انقلاب ۱۹۷۹ ایران، تنها یک جبهه‌بندی وجود داشت و آن هم بین تمامی مردم ایران از یک طرف و قدرت سیاسی حاکم که با داشتن انواع سلاح‌ها احساس خطر می‌کرد و در مقابل رژیمی با چنین جایگاه و ویژگی‌هایی، مردم ایران با دست خالی، آن تظاهرات پیاپی و متعدد را برپا کردند و بدین ترتیب، یک ملت به گونه‌ای خستگی‌ناپذیر و پیوسته، اراده خود را به نمایش گذاشت.

فوکو در تظاهرات مردم ایران، رابطه‌ای معنادار را در میان عمل جمعی و آیین مذهبی کشف می‌کند و می‌گوید: آن‌چه مردم ایران در سال ۱۹۷۹ انجام دادند، «عملی است سیاسی و قضایی که در قالب و درون آیین مذهبی به صورت دسته جمعی صورت می‌پذیرد» (حقیقی، ۱۳۸۱: ۱۹۷). تأثیر مخرب غرب در قرن نوزدهم یک احساس پان‌اسلامی به وجود آورد و اختلافات تفرقه‌افکنانه میان شیعه و سنی را به حداقل رسانید و اختلافات عقیدتی میان مسلمانان در مقابل تهدید غرب رنگ باخت (کرامر، ۱۳۶۸: ۱۰).

۵. آشتی دین و سیاست

این آشتی در عصری رقم خورد که بر اثر تبلیغات گسترده، دین را افیون توده‌ها معرفی کرده بودند. اسلام دین سیاسی است و علمای شیعه همواره در سیاست حضور داشته‌اند. انقلاب مردم ایران به عنوان انقلابی برای به پا داشتن معنویت بود. انقلاب اسلامی، درگیری‌هایی را در میان نظریه‌های جدید و قدیم انقلاب، در غرب ایجاد کرد و نظریات کلاسیک جامعه‌شناسی غربی را به چالش کشید که دین را عامل فرعی و حتی مزاحم تلقی می‌کردند و به جدایی دین از سیاست معتقد بودند. افرادی چون دورکیم^۱ و مارکس، معتقدند که در دنیای مدرن، دین به صورت امری حاشیه‌ای درمی‌آید و دنیوی شدن، فرایندی اجتناب‌ناپذیر است. (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۰۵).

1. Durkheim.

در نظریه‌های جدید نیز یکی از برداشت‌های نادرست، حذف دین به عنوان یکی از نیروهای مؤثر بر جنبش‌ها بود. به باور متفکران غربی، پیدایش مدرنیزاسیون در کشورهای جهان سوم، همچون غرب، به جدایی دین از سیاست و سکولاریسم خواهد انجامید. دانیل لرنر،^۱ از نظریه‌پردازان نسل اول نوسازی است که در بررسی ایران در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، اصولاً به نقش دین و مذهب در این روند، اشاره‌ای نمی‌کند و به کلی از اهمیت این حوزه غافل است؛ ولی این غفلت، نه به دلیل محسوس نبودن نقش دین در جامعه ایران در محدوده مطالعاتی وی، بلکه به علت مفروض‌ها و روش‌هایی بوده که او در پیش گرفته و این موضوع مهم و تاریخی را از تحلیل خود حذف کرده است (لرنر، ۱۳۸۳: ۹۸).

در مطالعات علوم اجتماعی نیز درگیری بین علم و دین همواره به چشم می‌خورد که در این نبرد علم همواره در مقابل دین پیروز بوده است؛ امری که با سیاست‌های غرب هماهنگ است؛ بنابراین روش‌شناسی علوم اجتماعی غرب، نتوانسته تحلیل مناسبی از رابطه دین و سیاست عرضه کند. تحلیل‌گران به این موضوع، به سبک‌های مختلف توجه کرده‌اند.

پیتر کالورت در کتاب *انقلاب و ضد انقلاب* می‌گوید:

در واقع به یک اعتبار، انقلاب ایران، حرکتی است حقیقی و معیاری است برای آن‌که ببینیم سکولاریسم جامعه غربی چنان گسترش یافته است که تنها تعداد معدودی از ما از پیش تشخیص دادند که نیروی دین سنتی هنوز تا بدین اندازه قدرتمند است (کالورت، ۱۳۸۳: ۶۳).

آیا با وجود انقلاب اسلامی، دنیوی شدن امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌گردد؟ به اعتقاد بعضی‌ها، در انقلاب ایران چیزی وجود دارد که غرب فاقد آن است. میشل فوکو می‌نویسد: برای مردمی که روی این خاک (ایران) زندگی می‌کنند، جست‌وجوی چیزی که ما غربی‌ها امکان آن را پس از رنسانس و بحران زندگی مسیحیت از دست داده‌ایم چه معنا دارد؛ جست و جوی معنویت سیاسی؟ هم اکنون صدای خنده فرانسوی‌ها را می‌شنوم، اما من می‌دانم که اشتباه می‌کنند (فوکو، ۱۳۷۵: ۴۲).

فوکو در ادامه می‌گوید:

هیچ عبارتی برای ایرانیان، خنده‌آورتر، ابلهانه‌تر، خشک‌تر و غریب‌تر از عبارت «دین

1. Daniel Lerner.

افیون توده‌هاست» وجود ندارد. تشیع پیروان خود را به نوعی بی‌قراری مسلح می‌کند و در ایشان، شوری می‌دهد که هم سیاست است و هم دین (فوکو، ۱۳۷۵: ۴۲).

تشیع همراه با احساس و عشق است، اما این احساس با تعقل و عقلانیت که در مکتب تشیع بسیار مهم است، جهت می‌یابد. تکیه‌گاه انقلاب اسلامی، اندیشه سیاسی شیعه است. از دیدگاه اندیشه سیاسی شیعه، تعریف حکومت و سیاست و انسان با آنچه در لیبرال - دموکراسی ارایه می‌شود، تفاوت دارد.

پیروزی انقلاب و الگوی تشکیل حکومت اسلامی، در بطن آموزه‌های اسلام شیعی یافت می‌شود. ختم نبوت و باز شدن سرفصل جدید امامت که از طرفی، حفظ شریعت پیامبر بر عهده آنان نهاده شده بود و از سوی دیگر الگوی مردم بودند، ولی ظالمان تاریخ به آن‌ها امان ندادند و با آنان مخالفت کردند، اما این مخالفت سبب سکوت و تسلیم ایشان در برابر حاکمان جبار نشد؛ بلکه هر کدام با استراتژی خاص خود با نظام حاکم مبارزه کردند و در این راه شهید شدند و با شهادت خود، راه مبارزه را به رهروان خویش آموختند. شیعه با الهام از ائمه جنبش خود را آغاز کرد (فوکو، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۷).

این بررسی‌ها، نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل تحقق انقلاب اسلامی، عناصر مختلف فرهنگ سیاسی شیعه و پیوند دین و سیاست بود که گسترش ایدئولوژی جدید را موجب شد. وجود رهبری و اصول مترقی شیعه و در نهایت، رفتار سیاسی مردم در مقابل رژیم، جریان انقلاب را به همان جهتی هدایت کرد که مورد نظر عامه مردم بود. به همین دلیل، پس از ورود امام به ایران، ایشان بدون هیچ‌گونه رقیبی، رهبری نظام را در دست گرفتند و با رهبری و هدایت‌های خود، مانع دخالت دشمنان و نفوذ در نظام و شکست انقلاب شدند. به دلیل تأثیر فراوان عنصر تشیع در این انقلاب بود که پس از پیروزی آن، پژوهش‌گران غربی که عمدتاً در شناخت اسلام به مذهب تسنن روی آوردند، به شناخت تشیع گرایش یافتند و تعداد پژوهش‌گران علاقه‌مند به مطالعه در مورد شیعه دوازده‌امامی به صورت فزاینده‌ای گسترش یافت.

نتیجه

پیروزی انقلاب مردم ایران در واقع گوشه‌ای از قدرت اسلام و تشیع است و مسلمانان می‌توانند به آن مباحثات کنند. انقلاب اسلامی ایران، نظر اغلب تحلیل‌گران را به خود جلب کرده و خاورشناسان بسیاری را به حیرت واداشته است. بسیاری از مفسران، ایران را

نمونه‌ای از احیاء اسلامی می‌دانند که جهان اسلام را در طول دهه‌های گذشته در بر گرفته است.

اعتقاد به مهدویت، وجود منجی و اعتقاد به نیابت امام عصر(عج) یکی از مهم‌ترین عوامل پیروزی انقلاب است که متفکران غربی به آن اشاره کرده‌اند. آیین‌های مذهبی از قبیل تاسوعا، عاشورا و اربعین، از جمله عواملی است که رابطه‌ای معنادار و عمیق را بین عمل جمعی، آیین مذهبی و رفتاری از نوع حقوق عمومی نشان می‌دهد که در تظاهرات انبوه و مستمر مردم ایران در جریان انقلاب می‌توان مشاهده کرد.

برخی از متفکران غربی، نقش رهبری روحانیت و مرجعیت شیعه که رژیم را سرنگون کرد، بی‌بدیل و فوق‌العاده می‌دانند. خاورشناسان هم‌چنین به نقش اتحاد و هم‌بستگی مردم ایران توجه کرده‌اند که در درون آیین مذهبی به صورت دسته‌جمعی و آن هم نشأت گرفته از مکتب شیعه بود که در طول تاریخ به ایفای نقش در برابر ظلم و ستم قدرت‌های حاکم پرداخته است. آشتی دین و سیاست و یا یکی شدن دین و سیاست، یکی از عوامل دیگر است که اندیشه سیاسی شیعه بر آن پایه شکل گرفته و پیروزی انقلاب و الگوی تشکیل حکومت اسلامی در بطن آموزه‌های اسلام شیعی یافت می‌شود. ختم نبوت و باز شدن سرفصل جدید امامت که از طرفی، حفظ شریعت پیامبر(ص) بر عهده آنان نهاده شده بود، الگوی مردم بودند و شیعه با الگو قرار دادن رهبران دینی خود، انقلاب را آغاز کرد و به پیروزی رساند.

منابع

۱. آبراهامیان، یراوند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳.
۲. ار. کدی، نیکی، *ریشه های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: قلم، ۱۳۶۹.
۳. اسکاچپول، تدا، *اسلام شیعی در انقلاب ایران*، به نقل از منوچهر محمدی، *انقلاب اسلامی*، تهران: نشر معارف، ۱۳۸۱.
۴. _____، *حکومت تحصیل دار و اسلام شیعی در انقلاب ایران* رهیافت های نظری بر انقلاب اسلامی، گردآوری عبدالوهاب فراتی، قم: معارف، ۱۳۷۹.
۵. بلخاری، حسن، *تهاجم یا تفاوت فرهنگی*، تهران: حسن افزا، ۱۳۷۸.
۶. جانسون، چالمرز، *تحول انقلابی*، ترجمه حمید الماسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۷. جرجیس، فواز، *امریکا و اسلام سیاسی*، مصحح محمد کمال سروریان، تهران: بی نا، ۱۳۸۲.
۸. حقیقی، شاهرخ، *گذر از مدرنیته نیچه*، فوکو، لیوتار و دریدا، تهران: آگاه، ۱۳۸۱.
۹. دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۰. *روزنامه رسالت*، تیر ۱۳۸۱ و ۱۳ خرداد ۱۳۸۳.
۱۱. *روزنامه اطلاعات*، نوامبر ۱۹۸۹.
۱۲. شجاعیان، محمد، *انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، *شیعه در اسلام*، مقدمه سیدحسین نصر، تهران: کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۴.
۱۴. عبدالحمید، ابوالحمد، *مبانی سیاست*، تهران: توس، ۱۳۷۰.
۱۵. عنایت، حمید، *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۱.
۱۶. فوکو، میشل، *ایرانی ها چه رویایی درسردارند*، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۱۷. _____، *ایران روح یک جهان بی روح و نه مقاله دیگر*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، ج ۲، تهران: نشرنی، ۱۳۸۰.

۱۸. کالورت، پیتر، چکیده آثار آنتونی گیدنز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.
۱۹. کرامر، مارتین، تشیع، مقاومت و انقلاب، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو، تهران: بی‌نا، ۱۳۶۸.
۲۰. کلر برید و پیر بلاشر، ایران؛ انقلاب به نام خدا، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: سحاب، ۱۳۵۸.
۲۱. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی، ۱۳۷۵.
۲۲. لرنر، دانیل، گذر از جامعه سنتی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳.
۲۳. محمدی، منوچهر، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
۲۴. مصاحب، غلامحسین، دایره‌المعارف فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷.
۲۵. معدل، منصور، طبقه، سیاست و ایدئولوژی در انقلاب، ترجمه محمدسالار کسرای، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، بی‌تا.
۲۶. وبر، مارکس، اخلاق پروتستانیزم و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت، ۱۳۷۴.